

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده

شهر اسن - المان

إلهة شعر

سرودِ عاشقی لعلِ مُذاب را ماند
صفای طفلکِ نورفته خواب را ماند
به بحرِ معنی و تفسیر ، غوطه ور گشتم
که دامن ، پُری از دُرّ ناب را ماند
چه سان اُصول و فروعش توان بیان کردن
که فهم ما چو خسی روی آب را ماند
ز حرف و واژه و سطرش بهار میبارد
که سبزه زارِ دل ، اُم الکتاب را ماند
خوشا به آنکه دهد ، امتحانِ مکتبِ عشق
سبق نخوانده ، ولی کامیاب را ماند
کشیده ام ز تو تصویری در خیالاتم
رخی که نرمی برگِ گلاب را ماند
خراب و بیخود و مدهوشم از حلاوتِ آن
لیبی که مستی جامِ شراب را ماند
حیای نرگسِ مستِ خمار آلودت
طلسم و جادوی عالم خراب را ماند

ملیحِ نرمی و گرمیِ لحنِ بانمکت
دلیل و حُجّت و ، فصل الخُطاب را ماند
ز لایِ گیسویِ شبرنگ ، قرصِ چهرهٔ تو
به آسمانِ وفا ، ماهتاب را ماند
حریرِ پیکرِ اندامت ، ای الههٔ شعر
میانِ برگِ گلاب ، آفتاب را ماند
خیالِ بوسه شود آب ، در دهانِ هوس
زبانِ شوقِ چشک ، در حجاب را ماند
صریرِ خامهٔ « نعمت » ز شهرِ خاطره ها
به مُلک و قارهٔ دل ، انقلاب را ماند

(8 نومبر 2008)